

کتابخانه ملی افغانستان  
سال جامع علوم انسانی

# اسماء تاریخی

● دو نامه عاشقانه از ناصرالدین شاه قاجار / آیدین آغداشلو

# دو نامه عاشقانه از ناصرالدین شاه قاجار

در میان دستخطها و قطعات خوشنویسی قدیمی، به دو قطعه‌ی دستنوشته برخورد کردم که خاص بودند و اهمیت داشتند و لازم دیدم این چند سطر را در معرفی و ثبت آن‌ها بنویسم.

دستنوشته یا نامه‌ی اول، به ابعاد  $۱۸ \times ۹$  سانتیمتر است و نامه‌ی دوم - که کوچکتر است - به ابعاد  $۱۳ \times ۸$  سانتیمتر و ابعاد طول و عرض هر دو نامه به خاطر افزوده شدن حاشیه و جدول‌کشی و تشعیرسازی به قطع  $۲۳ \times ۱۴$  سانتیمتر رسیده است. نامه‌ها به خط شکسته نستعلیق ساده نوشته شده‌اند و نامه‌ی اول در یازده سطر و نامه دوم در ۱۷ سطر است و بین السطور نامه‌ها طلاندازی و تحریر شده است. طلاندازی حاشیه‌ها و تشعیرها در سرلوح‌ها ساده و از نوع درجه‌ی دو است. نامه‌ها بر روی دو ورق مقوا چسبانده شده‌اند که ظاهراً به مرقع مفصلی متعلق بوده‌اند. جدول‌کشی‌ها ساده و خام دست‌نشانده و در مجموع، قطعه‌بندی در خور محتوا نیست.

این دو دستنوشته، نامه‌های عاشقانه‌ی ناصرالدین شاه قاجاراند به همسرش عایشه خانم یوشی، که در نوع خود بسیار قابل توجه‌اند و در قیاس با دیگر نامه‌ها و دستخط‌های ناصرالدین شاه، از شفقت و مهر و ملاحظت فراوانی برخوردارند و احساسات و عواطف عاشقانه‌اش را بازگو می‌کنند. متن یکی از نامه‌ها در باب دلتنگی



است و متن دومی نوعی استمالت است بابت اتفاقی که افتاده است و نمی دانیم چیست. هر دو نامه خطابی و ساده و غیرادبی و دلنشین اند و سرشار از دلجویی و نوازش. از اهمیت مقام نویسنده که بگذریم، از نوع نامه های عاشقانه ی معمول و مرسوم اند که تداوم و برقراری مهر و دلبستگی را تأکید می کنند.

مخاطب نامه، عایشه خانم یوشی، یکی از همسران اصلی ناصرالدین شاه است، که از او در چند جای روزنامه ی خاطرات اعتمادالسلطنه یاد شده است؛ در جایی که به موطن عایشه خانم اشاره می شود: «امروز از بلده نور کوچ است بطرف یوش که وطن عایشه خانم و لیلی خانم زوجات شاه می باشد» و «حرمخانه تماماً جز انیس الدوله مهمان عایشه خانم زوجه شاه که از اهل یوش است در خانه او مهمان هستند». (رمضان ۱۲۹۹ هجری قمری)، و در جای دیگر «دو روز قبل یکی از صیغه های شاه موموم به صفرا خانم عارض می شود که کنیز ترکمان عایشه خانم مراکتک زده است. شاه این کنیز را چوب زیاد زده به معتمدالحرم بخشید. شب در سرشام عایشه خانم و خواهرش لیلی خانم حضور شاه رفته آنچه لازمه وقاحت و جسارت و بی ادبی بود کردند. تا اینکه شاه را تهدید به مسموم کردن نمودند. شاه آن شب را ساکت بود. فردا صبح هر دو خواهر را بیرون کردند. لیلی خانم که مادر ایران الملوک است محض خاطر اولادش دوباره آمد. اما

عایشه خانم مطلقه و مواجب پدر و برادرش منقطع شد. حتی جواهرات او را هم گرفتند» (رجب ۱۳۰۰ هجری قمری). اما ظاهراً عایشه خانم دوباره به حرم باز می‌گردد، چون در ماه رجب سال ۱۳۰۳، مجدداً از عایشه خانم یاد می‌شود: «عایشه خانم زن شاه بشاه عرض کرده بود که آصف الدوله را بخودتان راه ندهید. دیوانه است. مبادا شما را هلاک کند» و بعدتر باز اشاره‌ای به عایشه خانم هست که «میرزا نظام خودش را مترجم [دکتر] فوریه بجهت چشم عایشه خانم نموده».

ویژگی‌های همیشگی نثر و دستخط، جای تردیدی در مورد هویت نویسنده نامه‌ها باقی نمی‌گذارد و با مقایسه‌ی این دستنوشته با دستنوشته‌های دیگر ناصرالدین شاه، اصالت انتساب آن تأیید می‌شود.

در نامه‌ی اول اشاره به سرداری و قبایی می‌شود که عایشه خانم برای شاه فرستاده است و در نامه‌ی دوم، صحبت از انگشتر «الماس و برلیان» اهدایی شاه است.

هیچ کدام از نامه‌ها امضاء ندارند - چون ناصرالدین شاه نامه‌ها و حاشیه‌نویسی‌هایش را امضاء نمی‌کرد - و در میان منشآت باقی مانده از او، موقعیتی استثنایی دارند. این دو نامه به مجموعه‌ی قطعات و دستخط‌های آقای دکتر فرهاد فرجام تعلق دارند که با مهربانی و سعه‌ی صدر، آن‌ها را در اختیار من گذاشتند. بازنویسی نامه‌ها برحسب سطر بندی و رسم الخط اصلی شان تنظیم شده است:

### نامه اول

عایشه خانم جانم حاجی سرور آمد کاغذ شما را رساند  
سرداری و قبا و غیره فرستاده بودید رسید از سلامتی احوال شما بسیار  
خوشحال شدم بخدا قسم برای تو آنقدر دلم تنگ شده است که حساب  
ندارد التفات قلبی من نسبت به تو زیاد از حد است البته خودت هم میدانی  
چقدرها ترا میخواهم

هیچوقت از یادم فراموش نمی‌شدی («نمی‌شوی»؟)

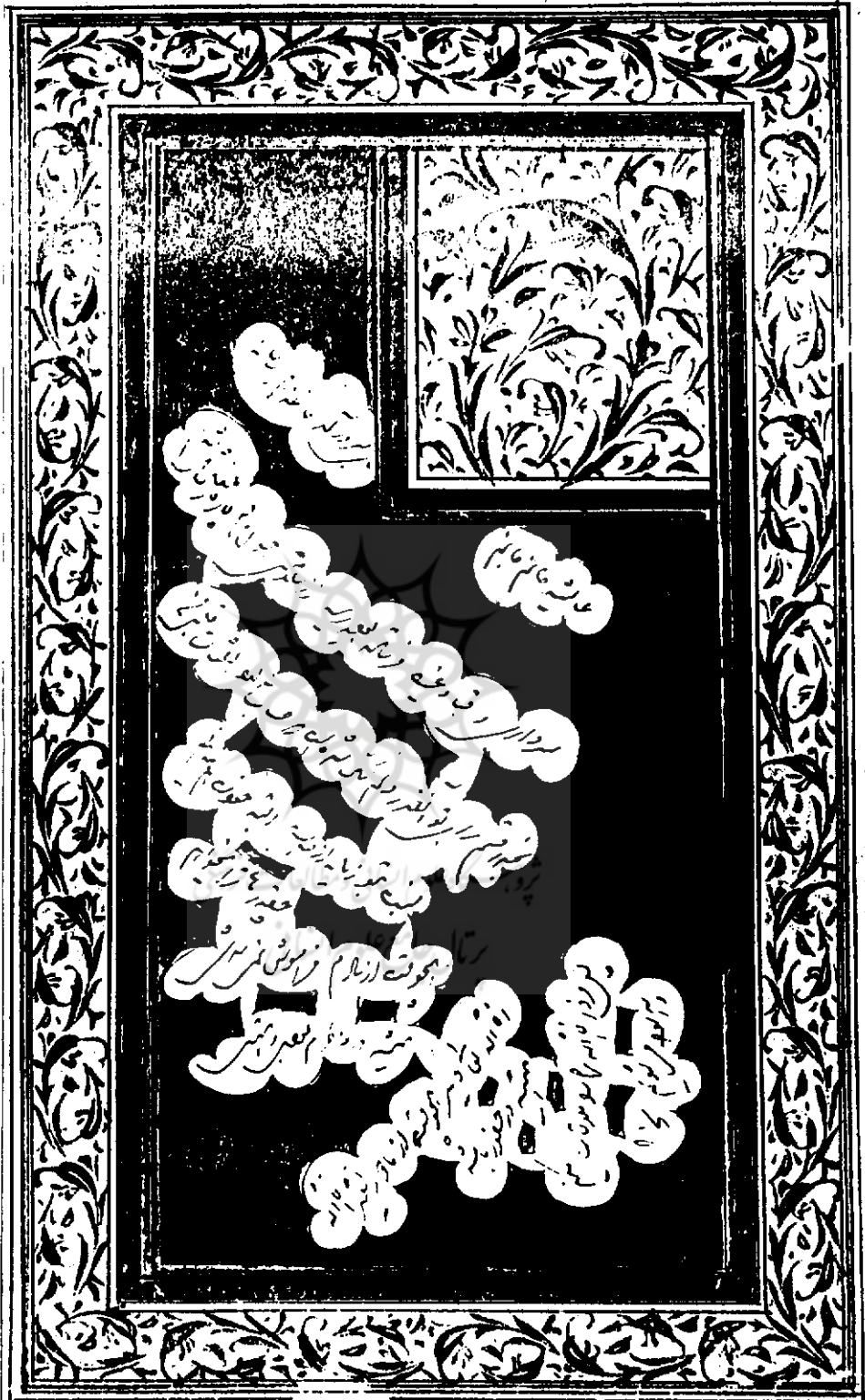
همیشه در خاطر من بودی و هستی

انشاءالله تعالی دیگر هیچوقت از ما دور نشوی («نشوید»؟) انشاءالله

همیشه در حضور باشید

پس فردا انشاءالله شما را ملاقات میکنیم

و آسوده می‌شویم (یک کلمه ناخوانا)



نامه دوم

(۱۷ سطر)

عایشه خانم جانم

شنیده‌ام غصه میخوری بخدا قسم یک موی کثیف ترا بهزار نفر آدم اجنبی  
نمی‌دهم اگر بدانی چقدر محبت بتو دارم هرگز غصه نمی‌خوری  
این‌دفعه این‌طور اتفاق افتاد ترا بسر من بجان من

قسم میدهم که غصه نخور

آسوده خاطر باش واله (ولله) از برای اینکه تو غصه میخوری اوقات ندارم

مثل سگ (؟ کذا) میگذرد ترا بجان من

قسم میدهم غصه نخور

جواب خوب بنویس من آسوده بشوم

یک انگشتر الماس برلیان

برای تو فرستادم

از حاجی سرور بگیر

تو عایشه جان من

هستی تو را

بیک دنیا

برابر نمی‌کنم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

